

گروگان های لبنان اهرم جنگ قدرت در جمهوری اسلامی

گروگان مذکور از تمام کسانی که در تلاش کیم بوده اند قدر دانی کرد و رفسنجانی با مخاطب قرار دادن آمریکا، آمادگی جمهوری اسلامی را برای یافتن راه حل هائولانه مساله گروگان ها اعلام کرد. همزمان با رفسنجانی، علامه فضل الله - از رهبران حزب الله لبنان - نیز در نماز جمعه اظهار داشت که نباید هیچ گونه خطایی در مورد گروگان ها صورت گیرد.

اما همچنانکه مفسر رویتر خاطر نشان کرده بقیه در صفحه ۲

بحران گروگان ها در لبنان پس از چند روز تشنج، به مسیر آرام تری افتاد. سازمان لبنانی "عدالت انقلابی" طی اطلاعیه ای اعلام کرد که "به احترام گروه ها و کشورهایی که آمریکا از آنها جهت میانجیگری یاری خواسته است" اجرای حکم اعدام "سی سی پیو" - گروگان آمریکایی - را متوقف می کند. بوش که هلیر شم تهدیداتش علیه ایران و حزب الله لبنان تاکید کرده بود که با بحران پدیدآمده باید با همت و احتیاط مواجه شد پس از توقف حکم اعدام



نشریه سازمان فداییان خلق ایران (اگر) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۶۸ برابر ۱۴ آگوست ۱۹۸۹
بها ۶۰ ریال سال ششم شماره ۲۷۰

هجوم "رزمندگان اسلام" به دانشگاه های ایران

پذیرفته شدن در دانشگاه، چه برای دیپلمه های جدید و چه برای آنها که سال ها پشت کنکور مانده اند، رویایی است که هر سال دست نایافتنی تر می شود.

در سال تحصیلی گذشته، از ۶۴۰۵۰۰ نفر داوطلب ورود به دانشگاهها، ۵۱۳۰ نفر وارد دانشگاه شدند. به بیان دیگر در سال گذشته فقط حدود ۱ درصد از داوطلبان کنکور به دانشگاهها راه یافتند. امسال، هم تعداد داوطلبان افزایش یافته و هم ظرفیت دانشگاهها به ۵۸۳۱۷ نفر کاهش یافته است. به تعبیر دیگر، امسال ۷/۵ درصد از داوطلبان کنکور وارد دانشگاه خواهند شد.

نتایج آماري بالا، اگر چه تکان دهنده است و به تنهایی، بیانگر شرایط بسیار سخت ورود به دانشگاههاست، با این همه نمایانگر بخشی از یک واقعیت تلخ و تکان دهنده است؛ مشکل ورود به دانشگاهها، عظیم تر از همین حداث است.

بقیه در صفحه ۶

مرحله تثبیت موقعیت در درگیری های حکومتی

پدرش نیز وجودش قائم به حضور شبخ خمینی است و از وی به عنوان "یادگار امام" یاد می کنند، حکم و گزارش تهیه شده در مورد ریاست جمهوری رفسنجانی را که محتشمی وزیر کشور تهیه کرده بود، قرائت کرد. او در سخنانی که در ابتدای همین مراسم بیان داشت به تعریف و تمجید از خامنه ای پرداخت اما در مورد رفسنجانی سخنی به میان نیاورد.

خامنه ای که مقام رهبری حکومت آخوندها را مدیون پشتیبانی رفسنجانی است به تعریف و تمجید فراوان از وی پرداخت اما فراموش نکرد که "رهبر" بودن خود را به او گوشزد کند و تاکید کند که: "... رای ملت را تنفیذ و ایشان را به ریاست جمهوری ایران منسوب می کنم و بدیهمی است این رای و تنفیذ تازمانی است که ایشان در همین صراط مستقیم و نورانی... راه خود را ادامه دهند." رفسنجانی نیز در آستان کار خود در این سمت در رابطه با خامنه ای از موضعی برابر

بقیه در صفحه ۳

روز دوازدهم مرداد حکم ریاست جمهوری رفسنجانی توسط خامنه ای تنفیذ شد و بدین ترتیب رفسنجانی که در یک خیمه شب بازی مضحک به نام انتخابات به ریاست جمهوری برگزیده شده بود، در این مقام رسمیت یافت. قرار است رفسنجانی به هنگام ادای سوگند در مجلس اعضا کابینه را معرفی کند. به دنبال تظییراتی که در قانون اساسی داده شد، رئیس جمهور مسئول تعیین و معرفی وزرای کابینه است.

مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری رفسنجانی و سخنرانی های ایراد شده خود از زاویه رده بندی ها و دسته بندی های درون حکومت نقجا قابل توجه است.

خامنه ای و سیداحمد خمینی و رفسنجانی در جایگاه ویژه حسینی جباران، چند پله بالاتر از دیگر مسئولین جمهوری اسلامی که همگی در محل حضور داشتند، نشسته و به سخنرانی پرداختند. سیداحمد که همچنان پس از مرگ

در این شماره

* سیمای واقعی کنسرن های فراملیتی

در صفحه ۱۲

* ملل متحد: دینامیسم آفرینش صلح

در صفحه ۱۲

* آمریکا: جنگ در نیکاراگوئه باید ادامه یابد

در صفحه ۱۲

* آیا پرسترویکا شکست خواهد خورد؟

در صفحه ۸

* "نویسنده"

به مناسبت سالگرد درگذشت برشت

در صفحه ۷



فرودگاه فرانکفورت - آلمان فدرال چند تن از امت حزب الله، فرستادگان رژیم با کولباری از تجربیات رنگی و خنک کننده و مکنده به میهن بازمی گردند!

وضعیت نیروی انسانی و اشتغال در کشور ما

در صفحه ۳

گروگان‌های لبنان،

اهرم جنگ قدرت در جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

مساله گروگان‌ها در لبنان با جنگ قدرت در جمهوری اسلامی ایران پیوند خورده است. از این رو اظهارات رفسنجانی و مذاکره جویی او با آمریکا، مورد حمله مستحشمی قرار گرفت. مستحشمی که روز یکشنبه به مناسبت فرارسیدن ماه محرم بر سر قبر خمینی در بهشت زهرا سخنرانی می‌کرد اظهار داشت که حکومت اسلامی به هیچ وجه نباید با آمریکابر سر گروگان‌ها یا هر امر دیگری کنار بیاید. او با نشانه گرفتن این ادعای رفسنجانی در نماز جمعه دو روز پیش‌اش که "ما امروز شاهد حکومت اسلامی بر مبنای حکومت امام حسین در کشورمان هستیم" گفت هر کس که در راه حسین گام بردارد و پرورده مکتب او باشد هرگز با جبهه کفر و استکبار سازش نمی‌کند.

پس تا نزدیکی بیشتر مواضع طرف‌های ذی‌نفع دوری از "شایعه" و "خبرهای غیر موثق" و تکذیب این شایعات و خبرها ضرورت داشت. حزب الله لبنان ضمن تکذیب هرگونه رابطه با مساله گروگان‌گیری هرگونه مذاکره این سازمان را با دولت اسرائیل رد کرد اما افزود که مشتاق آزادی تمام گروگان‌ها و زندانیان از هر مذهب و ملیت است. دفتر رفسنجانی گزارش ساندی تایمز دایر بر اینکه رفسنجانی یک پیام آشتی و مسالمت برای جرج بوش فرستاده است را تکذیب کرد اما تهران تایمز، نشریه انگلیسی زبان رژیم، در همان زمان کشورهای ذی‌نفع را فراخواند تا برای آزادی همه گروگان‌ها در لبنان، از جمله سه ایرانی، برنامه جامعی تهیه کنند. این خبر توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی نیز گزارش شد.

همین نشریه در شماره روز بعد خود به نقل از یک منبع نزدیک به رفسنجانی خبر داد که برای حل مساله گروگان‌ها آمریکا باید گام اول را بردارد و در صورتیکه اقدام آمریکا مورد رضایت ایران باشد مطمئناً اقدام بعدی از جانب ایران صورت خواهد گرفت. گام اول مورد نظر رفسنجانی آزاد ساختن اموال ایران است که پس از انقلاب توسط آمریکا "گروگان" گرفته شده‌اند.

آیا آمریکا گام اول را برداشت؟ روز چهارشنبه ۱۸ مرداد، یک روز پس از اظهارات "منبع نزدیک به رفسنجانی" که تا حدت باید در جایی فراتر از تهران تایمز نیز انعکاس

مرحله تثبیت موقعیت در درگیری‌های حکومتی

بقیه از صفحه اول

در مورد یک‌رنگی و وحدت نظر سی‌ساله سخن گفت و اظهار امیدواری کرد که این امر ادامه یابد.

اکنون رفسنجانی دست‌اندرکار تدارک مهرزی وزرای خویش است. این امر فرصت مقتضی برای وی ایجاد کرده است که برخی از پست‌های حساس را از دست جناح رقیب خود بدر آورد. به همین دلیل نیز این جناح به خطونشان و حمله متقابل دست زده است. مستحشمی وزیر کشور که از پشتیبانی "یادگار امام" نیز برخوردار است در یک سخنرانی بر سر قبر خمینی بدون آنکه مستقیماً از رفسنجانی نام ببرد به وی که برای گفتگو با دولت آمریکا در مورد سرنوشت گروگان‌های حزب الله در لبنان ابراز آمادگی کرده بود، ابراز داشت که "امام همیشه به آنها حمله می‌کرد و همیشه نسبت به آمریکا حالت تهاجمی داشت."

برخی خبرگزاری‌ها حتی تشدید تشنج و بحران گروگان‌گیری در لبنان را ناشی از جنگ قدرت در جمهوری اسلامی دانسته و نفوذ ویژه وزیر کشور رژیم ملایان را که مدت‌ها سفیر جمهوری اسلامی در سوریه بوده و روابط مستقیم و گسترده‌ای با حزب الله لبنان و تروریست‌های بنیادگرا ایجاد کرده است به عنوان عامل تشدید تشنج ذکر کرده‌اند. اقدامات و حرکاتی مانند: انجام عملیات و صدور فتاوی تروریستی (صدور حکم اعدام سلمان رشدی و...)، تشدید فشار در مورد

رعایت حجاب و اوپاشگری و حمله به زنان و براه انداختن چار و جنجال‌های تبلیغی ضد شری و غیره همیشه از تاکتیک‌ها و شیوه‌های مورد استفاده جناح "حزب الله افراطی" در درگیری حکومتی رژیم حزب الله بوده است.

محتشمی در همین سخنرانی با تهدید به بسیج حزب الله در سراسر جهان و اینکه "در سراسر جهان بسیاری از افراد حزب الهی به فرمان خمینی به پا خاسته‌اند"، امکانات و توانایی‌های خود را به رفسنجانی و دیگر رقیبان می‌نمایاند.

اکنون جنگ قدرت در رژیم آخوندها، جنگی که در جبهه دشمنان مردم جریان دارد، مراحل حساسی از روند حدت‌یابی کنونی خود را می‌گذراند.

ترکیب هیات دولت انتخابی توسط رفسنجانی تصویر گویایی از تعادل قوا و امکانات و محدودیت‌ها و ملحوظات طرفین بدست می‌دهد. هر چند با اتکا به تصویر گوشه‌هایی از این جنگ قدرت، نیروهایی در درون حکومت می‌کوشند بر مبنای قبضه قدرت اجرایی توسط رفسنجانی امید به بهبود اوضاع را در میان برخی از مردم پدید آورند، اما مردم اساساً این روندها را با منافع خود بیگانه می‌دانند. شواهد نشان می‌دهد آنها این درگیری‌ها و شکاف‌ها در جبهه آخوندها را با توجه دنبال می‌کنند و تغییرات جزئی احتمالی در این هرصه و یا آن هرصه را از نظر دور نمی‌دارند.



وضعیت نیروی انسانی و اشتغال در کشور ما

نگاهی به وضعیت نیروی انسانی و اشتغال در کشور ما^۱ عنوان گزارشی است که اخیراً در چندین شماره پی در پی روزنامه کیهان درج شده است. گزارش مفصلی است که ضمن بررسی وضعیت عمومی نیروی انسانی و اشتغال و ردگیری تفصیلی تر آن در بخش های خدمات، صنعت و کشاورزی کشور، بزم گزارشگر کوشیده است روشن کند چه مشکلات و نارسائی هایی در این زمینه وجود دارد، ریشه این نارسائی ها در کجاست و چگونه می توان در مسیر بهبود وضعیت نیروی انسانی و اشتغال در کشور گام برداشت. گزارشی خواندنی است؛ نه به این دلیل که تصویر جامعی از مسئله مورد بررسی، که بیکاری آشکار و پنهان جوهر آن است، بدست می دهد یا تحلیلی صادقانه از منشاء آن ارائه می کند و یا پاسخی ریشه ای برای رفع بیکاری می جوید؛ بلکه اساساً این دلیل که خواننده را با نحوه نگرش و برخورد کارشناسان ریز و درشت اقتصادی رژیم به معضلات جامعه آشنا می سازد. در همین حال گزارش خالی از حقایقی که نشان از سیاست خائنانه رژیم و درماندگی آن در

رقم ۵۳/۸ در سال ۳۵ به ۵۱/۳ در سال ۶۵ تقلیل یافته است. اهمیت این آمار به این لحاظ است که درصد افراد زیر ۱۵ سال (یعنی حداقل سن کار که بنا به تصریح گزارش مذکور ابداع رهايت نمی شود و بخصوص در جوامع روستایی گروه های سنی زیر ۱۵ سال و حتی زیر ده سال نیز درصدی از شافلان را تشکیل می دهند) نشان دهنده درصد غیر فعال جمعیت است و رقم بالای آن به معنای ورود هر ساله تعداد زیادی جویندگان کار به بازار کار است. نتیجه مستقیم چنین وضعیتی، در صورتیکه یک اقتصاد بیمار و نابسامان قادر به تامین محل کار لازم برای چنان عده ای نشود، روشن است: تداوم و تشدید بیکاری. این همین استدلالی است که "گزارش" ارائه می دهد. اما نکته اینجاست که رشد بی رویه جمعیت یگانه علت جوان شدن آن و کاهش جمعیت فعال جامعه و تداوم و تشدید بیکاری نیست. برای روشن شدن مطلب به جدول آماری زیر که تغییرات درصد گروه های سنی جامعه را در چند دوره ده ساله و نه در یک دوره سی ساله از ۳۵ تا ۶۵ نشان می دهد مراجعه می کنیم:

سال ۶۵	برآورد سال ۶۲	سال ۵۵	سال ۴۵	سرشماره سال ۳۵	درصد گروه سنی زیر ۱۵ سال
۴۵/۵	۴۳/۴	۴۴/۵	۴۶/۱	۴۲/۲	۱۵٪
۵۱/۵	۵۳/۱	۵۲	۵۰/۱	۵۳/۸	۱۵٪
۳	۳/۵	۳/۵	۳/۸	۴	۶۵ سال و بالاتر

پاسخگویی به مسایل اساسی جامعه ما دارنده نیست. "گزارش" از "دیدگاه کلان" عرضه نیروی انسانی و در این ارتباط از مساله "بانت و ساخت جمعیت" کشور شروع می کند. داده های آماری حکایت از دشواری های سنگین در رفع مساله بیکاری دارند. ظاهر رشد بی رویه جمعیت و به تبع آن جوان شدن جمعیت کشور ما یگانه منشاء این دشواری ها است. آمار نشان می دهد در حالیکه در سال ۱۳۳۵ افراد گروه سنی زیر ۱۵ سال ۴۲/۲ درصد کل جمعیت را تشکیل می داده اند در سال ۱۳۶۵ ۱۳ درصد این گروه سنی به ۴۵/۵ رسیده است و این در حالی است که درصد افراد ۱۵ تا ۶۴ سال (سن کار) از

"گزارش از درج این آمار خودداری کرده است و فقط ارقام مربوط به سال های ۳۵ و ۶۵ را قید کرده است. چنانکه پیداست درصد گروه سنی زیر ۱۵ سال در ده ساله ۳۵ تا ۴۵ افزایش شدیدی داشته است، اما در دهه بعد کاهش یافته و قاعدتاً می باید همین سیر نزولی را ادامه می داده است (برآورد سال ۶۲). اما سرشماری سال ۶۵ مجدداً نشان از افزایش قابل ملاحظه آن دارد. پس باید هاملی قاعده را بهم زده باشد که دیگر نمیتوان آنرا در جوان شدن جمعیت و "بالا بودن درصد زنان در سن باروری" - هواملی که "گزارش" به آنها متوسل می شود - جستجو کرد. کاهش درصد گروه سنی ۱۵-۶۴ سال از ۵۳/۱ در

برآورد سال ۶۲ با جمعیت ۴۲ میلیون به ۵۱/۵ در سرشماری سال ۶۵ با جمعیت ۴۹/۵ میلیونی کشور، به معنای کاهش نسبی تقریباً ۸۰۰ هزار نفر از افراد این گروه سنی نسبت به درصد ثابت آن در کل جمعیت است. کافی است آمار کشته شدگان در جنگ و قربانیان جنایات مختلف رژیم که تقریباً

حال نگاهی به "وضع اشتغال" می اندازیم: آمار گیری سال ۶۵ نشان می دهد از جمعیت ۴۹/۵ میلیونی آن سال کشور تنها چیزی حدود ۱۲/۸ میلیون نفر، یعنی ۲۵/۹ درصد کل جمعیت، فعال (منظور از جمعیت فعال مجموعاً افراد شافل و بیکار - و نه فقط افراد شافل - است). آمار دیگری نشان



بدون استثنا در گروه سنی اخیر می گنجند و آمار مهاجران را نیز که بخش اعظم آنان از زمره گروه سنی مذکور بوده و قطعاً تعدادی از آنان در سرشماری سال ۶۵ منظور نشده اند در محاسبات وارد کنیم. بیش از یک میلیون کشته در جنگ که بخش اعظم آن جوانان مستعد و آماده کار ایرانی بوده اند، قربانیان سیاست سرکوب که آمار آن متأسفانه معلوم نیست اما قطعاً تکان دهنده است و بخشی از ۲ میلیون مهاجر تا سال ۶۵ (مطابق دست پائین ترین تخمین ما) پاسخگوی کاهش مذکورند.

می دهد که در سال ۶۵ از هر ۱۰۰ نفر جمعیت در سن کار تنها ۳۹ نفر فعال بوده اند. اگر رقم بسیار ناچیز افراد مشغول به تحصیل در سن کار را به این بیافزائیم به رقم ۴۳ درصد میرسیم. یعنی ۵۷ درصد جمعیت در سن کار کشور ما غیر فعالند. از سوی دیگر مطابق همان آمار از بین ۱۲/۸ میلیون نفر جمعیت فعال حدود ۱۱ میلیون نفر (۲۲/۲ درصد جمعیت) شافل بوده اند. "گزارش" نتیجه می گیرد که ۱/۸ میلیون نفر از جمعیت فعال کشور در سال ۶۵ بیکار بوده اند.

معتادین را به مرگ تدریجی محکوم می کنند

برای هر ۵۰ هزار بیمار
یک پزشک متخصص

بر اساس سرشماری سال ۶۵ رقم کل پزشکان شاقلی که در وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی به کار اشتغال دارند رقم ۱۱ هزار و ۱۶۲ تن را نشان می دهد که از بین آنها ۵۳۰۹ نفرشان پزشک عمومی بوده و ۴۱۸۸ نفر دیگر جزو پزشکان متخصص به شمار می آیند. بر اساس این آمار در بخش دولتی درمان در ایران هر پزشک تقریباً به ۴۴۰۰ نفر در جامعه سرویس می دهد و هر پزشک متخصص در ایران ناچار است که به ۵۰ هزار نفر جمعیت خدمات درمانی ارائه دهد.

مطابق همین گزارش وضع خدمات درمانی در استان ایلام با جمعیت ۳۸۰ هزار نفر در سال ۶۵ وضعیت فاجعه بار بهداشت و درمان را در حکومت اسلامی نشان می دهد. در این استان تنها دو بیمارستان تحت پوشش دولت وجود دارد که در واقع قریب به ۱۹۰ هزار نفر از جمعیت این استان از امکانات یک بیمارستان استفاده می کنند. کل تخت های موجود در این بیمارستان ۲۴۱ تخت می باشد که نشان می دهد برای هر ۱۶ هزار نفر در این استان تنها یک تخت وجود دارد.

برای نشان دادن وضعیت اسفبار بهداشتی و درمانی در ایران کافی است این ارقام را با ارقام اعلام شده از سوی سازمان بهداشت جهانی مقایسه کرد. طبق استانداردهای سازمان بهداشت جهانی در ازای هر هزار نفر از جمعیت باید یک پزشک وجود داشته باشد و برای هر ۲۵۰ نفر از آباد هر جامعه یک تخت بیمارستانی در نظر گرفته شده است.

در همین رابطه رئیس سازمان بهزیستی اعلام کرده است که قرار است گنجایش مراکز بازپروری " در صورت تامین بودجه تا ۱۵ هزار نفر افزایش یابد. وی همچنین گفت: برای حدود ۲۰ "مرکز بازپروری" ۵ هزار معتاد اعتباری بین ۸۰۰ میلیون تا یک میلیارد ریال هر ساله برای ما در نظر گرفته می شد که ما هزینه می کردیم و مسلماً در آینده برای هر نفر روزانه حداقل یک هزار ریال برای نگهداری و امکانات آموزشی و بازپروری در نظر گرفته ایم که در صورت تخصیص هر تعداد معتاد که به ما تحویل دهند اقدام به بازپروری آنان خواهیم کرد.

با توجه به اظهار نظرهای مسئولین "استاد مبارزه با مواد مخدر" و رئیس سازمان بهزیستی، بودجه تخصیص داده شده از جانب حکومت تنها می تواند دربرگیرنده هزینه نگهداری کمی بیش از ۱۰ هزار معتاد باشد و مابقی معتادین که طبق طرح "والعادیات" باید به اردوگاه های بازپروری اعزام گردند، مشخص نیست چگونه و تحت چه شرایطی نگهداری شوند و کدام امکانات و خدمات درمانی، آموزشی و پرورشی در اختیار آنها قرار می گیرد.

به این ترتیب معلوم است که قصد مقامات حکومت از دستگیری و اعزام معتادین که عمدتاً قربانیان سیاست های ارتجاعی خود رژیم می باشند به "اردوگاه های بازپروری"، محکوم ساختن آنان به مرگ تدریجی در اثر ایجاد شرایطی کاملاً غیر انسانی می باشد. ضمناً قابل ذکر است که در طی دوره عوامه فوق الذکر که رژیم برنامه مبارزه با مواد مخدر خود را اعلام کرده، بیش از ۸۲۰ تن که توسط دادگاه های انقلاب اسلامی متمم به خرید و فروش مواد مخدر شده بودند، اعدام گردیده اند.

طبق اطلاعات منتشره از سوی مسئولین ستاد مبارزه با مواد مخدر کمیته های انقلاب اسلامی که در هفته گذشته منتشر شد طی مرحله دوم مانور "والعادیات" ۱۳ هزار و چهار صد معتاد و ۲۰۰ نفر از عوامل تهیه و توزیع مواد مخدر دستگیر و تحویل مراجع قضایی شده اند.

در این گزارش ها آمده است که در حدود یک میلیون معتاد در کشور وجود دارد که از این تعداد ۵۵ هزار نفر در "اردوگاه های کار" نگهداری خواهند شد. بر پایه همین گزارش ها در طول عوامه مبارزه این "ستاد" ۵۳ شبکه قاچاق مواد مخدر در سراسر کشور کشف و متلاشی شده اند و ۵۰۰۰ قاچاق تهیه و توزیع مواد مخدر از لحاظ تشکیلات، امکانات و نوع فعالیت در نزد کمیته های انقلاب اسلامی شناسایی شده اند که بزودی نسبت به تلاشی آنها اقدام خواهد شد.

"ابو" مدیر کل مبارزه با مواد مخدر "کمیته انقلاب اسلامی" در همین رابطه اعلام کرد که امتیاد در کشور یک معضل اجتماعی مهم تلقی می شود و برای حل این مشکل اجتماعی باید تمام دست اندرکاران کشور امکانات خود را در این امر بسیج کنند و با "کمیته ها" ارتباط تنگاتنگی داشته باشند.

وی اعلام کرد دلیر قم اینکه "کمیته ها" بارها آمادگی خود را برای دستگیری تمام معتادین اعلام داشته است ولی دادسراهای انقلاب اسلامی، سازمان های بهزیستی و زندان ها هنوز نتوانسته اند امکانات لازم را برای این امر مهیا کنند.

طبق اظهار نظر مسئولین این "ستاد"، مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان برای نگهداری و بازپروری معتادین اختصاص داده شده است که قرار است صرف احداث اردوگاه های جدید و تاسیس "مراکز بازپروری" برای نگهداری معتادین گردد.

افزایش سهمیه ارزی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور

مدیر کل امور دانشجویان خارج از کشور در یک مصاحبه گفت که سهمیه ارزی دانشجویان ایرانی شاقلی به تحصیل در ۱۷ کشور افزایش یافته است که بر اساس مصوبه هیات دولت از اول امسال قابل پرداخت است.

وی میزان قبلی و جدید ارز قابل پرداخت را در این ۱۷ کشور بشرح زیر اعلام کرد:

اتریش ۵ هزار شلینگ به ۶ هزار شلینگ، بلژیک ۱۵ هزار فرانک به ۱۶ هزار و پانصد فرانک، آمریکا ۴۳۰ دلار به ۵۵۰ دلار (شهریه جداگانه پرداخت میشود)، ایرلند ۲۵۰ پوند به ۳۰۰ پوند، استرالیا ۶۰۰ دلار به ۷۰۰ دلار کانادا ۴۵۰ دلار به ۵۷۰ دلار (شهریه جداگانه پرداخت می گردد)، پاکستان ۲۷۵۰ روپیه به ۳۲۰۰ روپیه، هندوستان ۲۳۰۰ روپیه به ۳۲۰۰ روپیه، سوئد ۳۷۰ دلار به ۴۰۰ دلار، سوئیس ۷۰۰ فرانک ۹۰۰ فرانک، دانمارک ۳۷۰ دلار به ۴۰۰ دلار، ژلاندنو ۲۰۰ دلار به ۵۰۰ دلار، هلند ۳۷۰ دلار به ۴۷۰ دلار، چکسلواکی، مجارستان، یوگسلاوی و رومانی از ۲۰۰ دلار به ۲۵۰ دلار به اضافه ۱۰۰ دلار بابت حق مسکن.

نامبرده اضافه کرد: بر اساس مصوبه هیات دولت این افزایش از امسال قابل پرداخت است که در کارنامه های ارزی سال ۶۸ منظور میشود و برای آن گروه که کارنامه خود را قبلاً دریافت کرده اند مابه التفاوت به صورت یک کارنامه تحویل می شود که برای والدین دعوت نامه ارسال خواهد شد.

مدیر کل امور دانشجویان در مورد تسهیلات جدید برای دانشجویان خارج کشور گفت: قبلاً دانشجویان برای استفاده از ۴۰ درصد تخفیف دانشجویی بلیط هواپیما با مشکلات اداری مواجه بودند که با مذاکرات این اداره کل و هواپیمائی مقرر شد که والدین با همان معرفی نامه که جهت تهیه بلیطریالی دریافت میکنند برای استفاده از ۴۰ درصد تخفیف دانشجویی نیز اقدام کنند.

مقام فوق در مورد مهلت ارسال مدارک مورد نیاز جهت صدور کارنامه ارزی افزود: آخرین مهلت برای ارسال مدارک مورد نیاز صدور کارنامه ارزی امسال دانشجویان تا پایان شهریور ماه است که از طریق دفاتر نمایندگی یا والدین، دانشجویان می توانند مدارک خود را ارسال کنند.

طی ده سال ۱۹ میلیون نفر

افزایش جمعیت

بر طبق اطلاع سازمان ثبت احوال کشور آمار موالید در ایران در فاصله سال های ۵۸ تا ۶۷ به طور دائم سیر صعودی داشته است و بیش از ۱۹ میلیون نفر به جمعیت افزوده شده است.

بر اساس این خبر، طی این ده سال به طور متوسط هر ساله تعداد ۱۹۰۹۴۵۴ نفر جمعیت کشور افزایش داشته است.

در ده سال مورد بررسی توسط سازمان ثبت احوال کشور اعلام شده است، یک میلیون و ۹۰۹ هزار و چهار نفر فوت کرده اند و ۳ میلیون و ۵۴۱ هزار و ۳۶ زوج از دواج رسمی خود را ثبت کرده اند و ۳۱۲ هزار و ۶۹۰ زوج پس از آنکه نتوانستند به دلایلی به زندگی مشترک خود ادامه دهند از یکدیگر جدا شده اند.

در حال حاضر گفته می شود جمعیت کشور رشد ۳/۹ درصدی را نشان می دهد که بر طبق آن تا ۲۰ سال آینده جمعیت کشور به مرز یک صد میلیون نفر خواهد رسید. این نرخ رشد بالاترین درصد افزایش جمعیت در سطح جهان را نشان می دهد.

کاهش صادرات نفت ایران

یک مجله امور نفتی اعلام کرد که صادرات نفت ایران در ماه گذشته میلادی ۱۹ درصد کاهش داشته است و میزان تولید نفت ایران در این ماه به یک میلیون و ۷۸۰ هزار بشکه تنزل پیدا کرده است. گفته می شود میزان سهمیه تعیین شده توسط سازمان "اوپک" برای ایران ۲ میلیون و ۷۸۰ هزار بشکه می باشد که با توجه به مصرف داخلی نفت که در حدود ۷۵۰ هزار بشکه در روز است، ایران در این ماه هر روز ۲۳۰ هزار بشکه کمتر از سهمیه مجاز نفت صادر کرده است.

لازم به تذکر است که بهای نفت در هفته های گذشته در بازارهای بین المللی نفت کاهش چشمگیری داشته، بطوری که بهای نفت خام سبک "دوبی" که نفت خام پایه خاورمیانه می باشد برای تحویل در ماه سپتامبر در بازار اروپا ۱۴ دلار و ۵۸ سنت اعلام شده است.

همچنین مطابق گزارش خبرگزاری ها، اوپک تصمیم گرفته است که در تاریخ ۲۳ سپتامبر (اول مهر ۱۳۶۸) اجلاسی با شرکت وزرای نفت کشورهای عضو خود در ژنو تشکیل دهد تا اوضاع بازار نفت را مورد بررسی قرار دهند. اعضا اوپک در ژوئن گذشته توافق کرده بودند که در این تاریخ کمیته نظارت مرکب از هشت وزیر تشکیل جلسه دهد و در مورد افزایش سهمیه تولید گروه اوپک به بحث بپردازد ولی اینک اوپک فقط در مورد محل اجلاس تصمیم گرفته است.

گفته می شود تولید بیش از سهمیه های رسمی اعضا و کاهش قیمت نفت در حدود یک دلار در هر بشکه باعث شده است که اجلاس ماه سپتامبر اوپک به یک اجلاس اضطراری تبدیل شود. در همین حال بعضی از مقامات امور نفتی حکومت اسلامی در هفته گذشته سازمان اوپک را به علت عدم برنامه ریزی های دراز مدت در سیاست های نفتی خود مورد انتقاد قرار دادند.

۱۲ میلیون کودک ایرانی بدون برنامه پرورشی و آموزشی

رئیس سازمان بهزیستی کشور در طی سخنانی گفت: "در حال حاضر در کشور ما جمعیت کودکان در سنین قبل از دبستان ۴ میلیون نفر است و این میزان، جمعیت عظیمی را تشکیل می دهد... وی در ادامه سخنان خود در زمینه به اصطلاح آموزش به این کودکان افزود: "...هم اکنون حدود ۱۰۵ هزار کودک در واحدهای مهدکودک شهری و روستایی تحت پوشش آموزش های مختلف مهدهای کودک قرار دارند و حدود ۱۰۵ هزار کودک در واحدهای مهدکودک خودکفا و دولتی و خصوصی اهم از کارمندان دولت و بخش خصوصی تحت پوشش قرار دارند که جمعا ۲۰۰ هزار نفر آموزش مستقیم می بینند."

ارقام فوق نشان می دهد که تنها ۲۰۰ هزار کودک از جمعیت ۱۲ میلیونی کودکان کشور از امکانات آموزشی و پرورشی آن هم به شکلی بسیار سطحی و محدود برخوردارند.

نیاز به ۷۰۰ هزار شغل جدید در هر سال

بر پایه اعلام نظر کارشناسان اقتصادی - اجتماعی رژیم به دلیل افزایش جمعیت کشور و افزوده شدن هر چه بیشتر جمعیت فعال آن، کشور نیاز به ایجاد هر ساله ۷۰۰ هزار شغل جدید دارد.

طبق اظهار نظر این کارشناسان با دوبرابر شدن جمعیت کشور در طی ۲۰ سال آینده، جمعیت فعال حداقل دوبرابر خواهد شد و این به معنی افزایش جمعیت فعال کشور از ۱۲/۵ میلیون نفر به ۲۵ میلیون نفر می باشد. این کارشناسان می گویند: "با احتساب ۱۱ میلیون شغل فعلی برای بهره وری از نیروی انسانی آماده بکار نیاز به بیش از ۱۴ میلیون شغل در ۲۰ سال آینده خواهد بود. یعنی طی ۲۰ سال باید نیش از تمام فرصت های شغلی موجود، ایجاد اشتغال کرد. با این حساب بطور متوسط سالانه چیزی حدود ۷۰۰ هزار شغل جدید باید در کشور ایجاد شود. در حالی که طی دهه گذشته با همه اصراری که بر روی ایجاد اشتغال بوده سالانه چیزی حدود ۲۲۰ هزار شغل ایجاد شده، آنهم مشاغلی که غالباً در زمره مشاغل کاذب و یا کم بازده بوده اند و بهره وری سرانه نیروی کار را بشدت کم کرده اند."

این کارشناسان ضمن اشاره به برخی از مشکلات در زمینه اشتغال می افزایند: "اگر بخواهیم با همین سطح تکنولوژی ضعیف برای ایجاد هر شغل ۵۰۰ هزار تومان همدتا در امور تولید و زیربنایی سرمایه گذاری کنیم (این رقم حداقل میزان برآورد محسوب می شود) برای ایجاد سالانه ۷۰۰ هزار شغل باید هر سال ۳۵۰ میلیارد تومان صرف این مسئله کنیم." اشاره به این آمار نشان دهنده آینده فاجعه باری است که در مقابل چشمان میلیونها ایرانی گشوده شده است و اینکه این حکومت چگونه با سیاستهای خود هر شهروند ایرانی را از یکی از حقوق اولیه خود یعنی حق کار محروم می سازد و این صرف نظر از دیگر موارد و معضلات اجتماعی مصیبت باری است که آمار فوق می تواند از آن حکایت کند.

اجرای قانون اساسی جدید

محتشمی وزیر کشور اعلام کرد: با ابلاغ اصلاحیه قانون اساسی توسط خامنه ای که در همه پرسی تصویب شد و پس از طی مراحل قانونی، نتیجه همه پرسی به تایید شورای نگهبان رسید که از روز یکشنبه قانون اساسی با اصلاحات جدید، در کشور به مورد اجرا گذاشته می شود و اجرای قانون اساسی با اصلاحات انجام شده برای تمام دستگاه های مقننه، قضائیه و مجریه الزامی است.

وی افزود به موجب اصلاحات قانون اساسی، مسئولیت دولت و قوه مجریه با ریاست جمهوری است. مسئولیت قوه قضائیه مستقیماً به عهده ریاست قوه قضائیه است و صدا و سیما زیر نظر مقام رهبری انجام وظیفه می کند.

محتشمی در توضیح نحوه انتقال اختیارات به رئیس جمهوری جدید و ضوابط اجرای آن گفت: طبق قانون، نتیجه همه پرسی قانون اساسی، پس از تایید شورای نگهبان می بایست به ریاست جمهوری ابلاغ شود و رئیس جمهوری نتیجه را برای اطلاع عمومی از طریق رسانه های گروهی به وزارت کشور ابلاغ کند.

محتشمی همچنین در سخنان خود اشاره نمود که خامنه ای تا پایان دوره ریاست جمهوری خود در تاریخ ۱۷ مهر ماه قانوناً رئیس جمهور اسلامی ایران می باشند، مگر آنکه قبل از آن تاریخ، از این سمت استعفا کرده و رفسنجانی پس از مراسم تحلیف در مجلس اسلامی رسماً به عنوان رئیس جمهور آغاز به کار کند.

ضمناً گفته می شود که بر اساس تفهیم حکم ریاست جمهوری رفسنجانی توسط خامنه ای، مراسم تحلیف رئیس جمهوری و پس از آن معرفی کابینه جدید در تاریخ ۲۴ مرداد ماه جاری همزمان با آغاز کار مجلس شورای اسلامی برگزار خواهد شد.

طبق قانون اساسی، رئیس جمهوری باید با حضور در مجلس که در آن رئیس دیوان عالی کشور و اعضای شورای نگهبان نیز حضور دارند، سوگند یاد کرده و سوگندنامه را امضا کند.

انتشار فهرست موارد همکاری های ایران و شوروی

- ۳۶۷۰ مگاوات
- ۴- نیروگاههای حرارتی به قدرت ۲۰۰۰ مگاوات
- ۵- سدهای مخزنی بر روی رودخانه های مربرود
- ۶- توسعه کارخانه ذوب آهن اصفهان به ظرفیت تولید چهار میلیون تن فولاد در سال
- ۷- سه کارخانه نورد در استانهای خراسان، هرمزگان و آذربایجان
- ۸- ایستگاه تقویت فشار گاز (اس-۱) برای لوله سراسری دوم و تکمیل این خط
- ۹- خطوط راه آهن مشهد- سرخس و مشهد- بافت

هیات دولت حکومت اسلامی در جلسه روز چهارشنبه ۱۱ مرداد ماه خود فهرست مرحله اول پروژه های همکاری بین ایران و شوروی را که توسط وزیر امور اقتصادی و دارائی و رئیس کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و شوروی ارائه شده بود مورد بررسی و تصویب قرار داد. فهرست این پروژه ها که بعد از این جلسه انتشار یافت عبارت است از:

- ۱- توسعه نیروگاههای حرارتی "شمیدمنتظری" اصفهان و "رامین" اهواز مجموعاً به ظرفیت ۱۴۳۰ مگاوات
- ۲- احداث تاسیسات آب و برق خدآفرین و تیزتعه سی با نیروگاه آبی مجموعاً با ظرفیت ۱۴۰ مگاوات
- ۳- نیروگاههای کارون ۲ و ۳ و ۴ به ظرفیت

هجوم "رزمندگان اسلام" به دانشگاه‌های ایران

بقیه از صفحه ۱

نکته مهمی که در بالا ناگفته مانده این است که ۴۰ درصد از ظرفیت دانشگاهها به "رزمندگان اسلام" تعلق دارد؛ حمله "رزمندگان مسلمان" به دانشگاهها، اگر حمله به دانشگاهها در ابتدا با چوب و چماق با تسخیر و تصرف ساختمانهای دانشگاهها صورت گرفت و به بسته شدن آنها انجامید، اکنون دیگر مدت هاست که هجوم به دانشگاهها با تسخیر صندلی‌های دانشجویان و افزایش تعداد "چشم و گوش"ها در کلاس‌های درس صورت می‌گیرد. این هجوم با عنوان قانون "اختصاص ۴۰ درصد از ظرفیت کنکور به رزمندگان" که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس جمهوری اسلامی است، قانونیت یافته است. بدین ترتیب درصد واقعی پذیرش داوطلبان ورود به دانشگاه کمتر از همان درصد ناچیزی است که پیش از این اشاره شد.

در واقع، در سال گذشته ۰۱ درصد از داوطلبان ورود به دانشگاه دانشجو شدند یعنی در صد پذیرفته شدگان نسبت به داوطلبان در سال گذشته ۶ درصد بوده است. در سال جاری این نسبت، ۰۵ درصد از ۷/۵ درصد یعنی ۴/۵ درصد خواهد بود. ۴/۵ درصد رقم بسیار ناچیزی است و دشواری هضمی را که داوطلبان کنکور دارند نشان می‌دهد.

آنچه تاکنون گفته شد، تنها یک بعد فاجعه‌ای است که در دانشگاه‌های ما اتفاق می‌افتد. بعد دیگر یورش "۴۰ درصدی‌ها" تنزل سطح علمی آموزش در دانشگاهها و مدارس عالی کشور است. پیش از آن که به توضیح این مساله بپردازیم، به ذکر خبری در این زمینه مبادرت می‌کنیم؛ اخیراً در طوماری که حدود ۱۰۰۰ تن از این "رزمندگان" امضا کرده‌اند، به آئین نامه اجرائی قانون "اختصاص ۴۰ درصد از ظرفیت کنکور به رزمندگان" که در بهمن ماه سال گذشته به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، اعتراض شده است. امضا کنندگان این طومار به ماده ۹ این آئین نامه اعتراض دارند که تصریح می‌کند: "رزمنده باید ۸۰ درصد از نمره آخرین رتبه پذیرفته شده سهمیه آزاد هر رشته را کسب کند

تا در آن رشته قبول شود." آنها مدعی‌اند که این ماده باعث حذف "رزمندگان مسلمان" از رشته‌های خوب و ممتاز می‌شود. آنها این گونه استدلال می‌کنند: رزمندگانی که از یک سال تا پنج سال دور از درس و تحصیل در جبهه‌ها به سر برده‌اند، امکان کسب این حد نصاب نمره را ندارند. بویژه آن که در جهت تقویت "بنیه علمی و افزایش توان درسی رزمندگان" هیچ اقدامی نشده است.

در این خبر کمی تامل می‌کنیم. دقت کنید، ۴۰ درصد از دانشجویان را کسانی تشکیل می‌دهند که از یک تا ۵ سال با درس و مدرسه سروکاری نداشته‌اند. ۴۰ درصد از دانشجویان، کسانی هستند که نه تنها "بنیه علمی" که اساساً توان درس خواندن و حوصله توجه کردن به درس ندارند، کسانی که به قول معروف "پشتشان باد خورده" و "دنیای امدادهای فیبی" برایشان مزاران باران جهان امدادهای علمی جذاب تر است؛ کسانی که در جبهه‌های جهل و در واحدهای نظامی، هر آنچه کشش و تمایل به

مسایل علمی داشته‌اند از مغزشان به در شده و خرافات و خرافه پرستی جانشین آن شده است. اکنون در کلاس‌های درس دانشگاه‌ها، بر اساس گزارش‌های متعدد، هنگامی که استاد به تشریح مسایل علمی می‌پردازد، ۴۰ درصد "دانشجویان" اگر خوابشان نبرد، چرت می‌زنند و اگر چرتشان نگرفته باشد، با خمیازه‌های اشک آلود نگاه‌های بی‌حالت و گنگ، حواس استاد را پرت می‌کنند و اعصابش را می‌فرسایند. آیا این خمیازه‌ها، چرت‌ها و خواب‌آلودگی‌ها، بوی ماندگی و در ماندگی را در فضای آموزشی به مشام ۰۶ درصد بقیه نمی‌رساند؟ پرواضح است که این ۴۰ درصد تاثیرات مخربی بر کل محیط دانشگاه و طبعاً بر ۰۶ درصد باقیمانده دانشجویان می‌گذارند. هم دانشکده‌ای‌هایشان اینگونه باشند، نمی‌توانند جهان پرشتاب دانش و فنون را با سرعتی که باید، بشناسند؛ از قافله زمان عقب می‌مانند استاد هم همینطور؛ دانشگاه نیز همچنین. واقعیت این است که

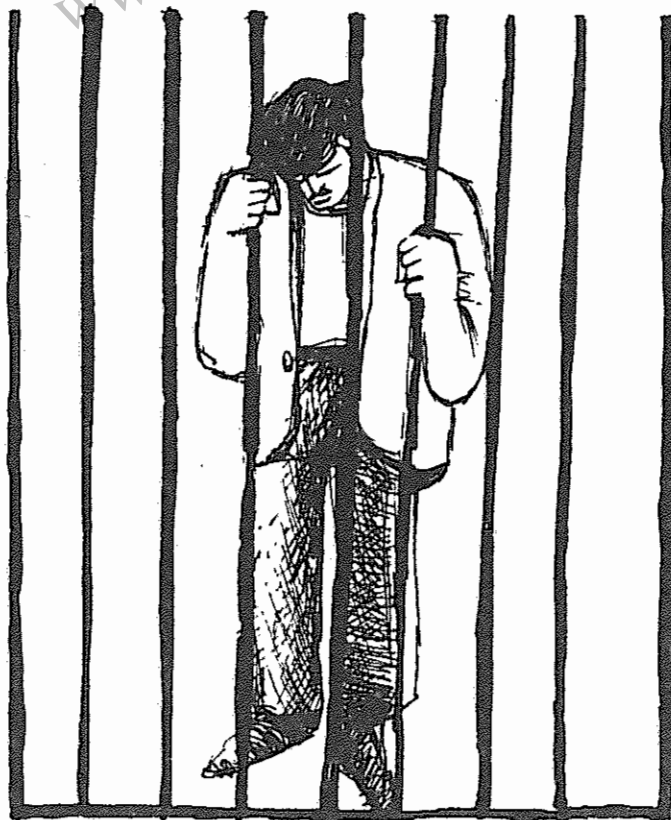
"رزمندگان مسلمان" سنگرهای علمی دانشگاه‌ها را تسخیر کرده‌اند و مقول وار به تخریب پایه‌های علمی دانشگاه‌های ایران کمر بسته‌اند. هجوم جدی است و تخریب اعتبار علمی دانشگاه‌های ایران کاملاً محتمل. زمانی که این "۴۰ درصدی‌ها" مصادره علمی و فنی ما را به همده گیرند، فاجعه آشکارتر خواهد شد. به یک خبر دیگر توجه کنید:

محسن رهامی معاون پارلمانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در مصاحبه‌ای اظهار داشته است: "یک بررسی در آزمون انجام گرفت و نشان داد که رزمندگان قبول شده در سال ۷۶ برای گروه علوم انسانی ۳۸/۵ درصد، در رشته پزشکی برای دانشگاه‌های بزرگ ۳۸ درصد، پزشکی شهرستانها ۳۹ درصد رشته‌های مهندسی دانشگاه‌های برجسته تهران ۰۴ درصد و رشته‌های مهندسی شهرستانها ۳۹/۷ درصد بوده است."

بنگرد چگونه حساس ترین مشاغل آینده ایران، حساس ترین رشته‌های علمی و فنی مورد هجوم "رزمندگان مسلمان" قرار گرفته‌اند.

آیا "پزشکان مسلمان" (!) قادرند برای بیماران خود شریتی به جز "شریت شهادت" تجویز کنند؟ آیا "مهندسیین رزمنده مسلمان" چه بلایی بر سر کارخانه‌های ایران خواهند آورد؟ "معماران و شهرسازان رزمنده مسلمان" شهرهای ایران را مورد تاخت و تاز جهل و خرافه و ندانم کاری‌های خود قرار نخواهند داد؟

آینده دانشگاه‌های ایران زیر سوال رفته است در دانشگاه‌های ایران هنوز در برابر هجوم "رزمندگان مسلمان" مقاومت وجود دارد. استادان و دانشجویان متعهد به شیوه‌های گوناگون می‌کوشند موج جهل و بی‌سوادی و یورش ضد علمی را که توسط حکومتی‌ها در دانشگاهها انکنده شده مهار کنند. آیا مقاومت جبهه دانش و فن در برابر حمله "رزمندگان مسلمان" پاسخگو خواهد بود؟ فعلاً نمی‌توان به این پرسش پاسخی قطعی داد؛ اما آنچه روشن است خطر جدی این هجوم است، هجومی که سطح علمی دانشگاه‌های ایران را مورد تهدید جدی قرار داده است.



“نویسنده”

در ستایش آموختن



یاد بگیر، ساده ترین چیزها را !
برای آنان که بخواهند یاد بگیرند ،
هرگز دیر نیست .

الفبا را یاد بگیر! کافی نیست؛ اما
آن را یاد بگیر! مگذار دلسردت کنند !
دست به کار شو! توهم چیز را باید بدانی .
تو باید رهبری را به دست گیری .

ای آنکه در تبعیدی، یاد بگیر !
ای آنکه در زندانی، یاد بگیر !
ای زنی که در خانه نشسته‌ی، یاد بگیر !
ای انسان شصت ساله، یاد بگیر !
تو باید رهبری را به دست گیری .

ای آنکه بی خانمانی، در پی درس و مدرسه باش !
ای آنکه از سرما می لرزی، چیزی بیاموز !
ای آنکه گرسنگی می کشی، کتابی به دست گیر !
این، خودسلاحی ست.

تو باید رهبری را به دست گیری .

ای دوست، از پرسیدن شرم مکن !
مگذار که با زور، پذیرنده ات کنند .

خود به دنبالش بگرد!

آنچه را که خود نیاموخته‌ی

انگار کن که نمی دانی .

صورتحسابت را خودت جمع بزن !

این تویی که باید پردازی اش .

روی هررقمی انگشت بگذار

و پرس: این، برای چیست ؟

(برتولت برشت)

تو باید رهبری را به دست گیری .

چهاردهم اوت مصادف است با سالگرد درگذشت نمایشنامه نویسی و شاعر بزرگ آلمانی برتولت برشت . در سی و سومین سالگرد درگذشت این متفکر کمونیست و هنرمند مردمی، اثری از وی به نام نویسنده را به چاپ می‌رسانیم :

مدتی فکر کرد و بعد گفت : خیر نمیشد او را نجات داد، اما سپس به برادر متوفی یعنی به کوچکترین پسر پیرزن در بیرون از خانه گفت : «اگر برادر شما را به موقع نزدیک پزشک جراح می بردند او هم اکنون زنده می بود، این عقیده من است که به شما می گویم، مادر شما پیر است و دیگر نیازی به حقیقت ندارد بلکه محتاج دلداری است، اما شما جوان هستید و به حقیقت نیاز دارید.» مرد جوان پرسید : «پس چرا آن پزشک او را فوراً به یک جراح معرنی نکرد؟ چرا فقط از بهبودی و سلامت برادر من صحبت میکرد؟ چرا اینهمه داروهای گرانقیمت و توصیه های دقیق که هیچ سودی نداشتند می داد.»

آن دوست در جواب گفت : «دوست جوان من، داروهای گران و توصیه های دقیق لزوماً همواره سودمند نیستند، اما آنچه باید از یک پزشک توقع داشت اینست که هلت واقعی بیماری را معین کند، برای شفا دادن یک بیمار ابتدا باید هلت بیماری را بدرستی تشخیص داد، و برای تشخیص صحیح بیماری تنها دانش همیق پزشکی کافی نیست بلکه علاقه واقعی به علاج بیماری نیز لازم است. تنها کافی نیست که شخصی پزشک باشد بلکه او باید قادر به کمک هم باشد، پزشک مزبور وقتی از بهبودی صحبت میکرد خود از هلت حقیقی بیماری مطلع نبود، اما من آنقدر از بیماری و فقط از بیماری صحبت میکنم تا آنکه از هلت دقیق آن مطلع شوم و وسایل مبارزه موثر با آن را همیقتادریابم و اولین هلائم بهبود نمایان شود. تازه آنگاه شاید از علاج بیماری صحبت کنم.»

نویسنده گفت : «تقریباً شبیه این است.» و به داستان خود پایان داد.
بقیه پس از سکوت نزاکت آمیز کوتاهی از او پرسیدند : «اما تو که پزشک نیستی»
او پاسخ داد : «خیر، اما نویسنده هستم.»

از نویسنده ای سوال شد که چرا همیشه در آثار خود فقط از فقر و رنج صحبت میکند و فقط تاثیر فقر بر روی انسان را مورد بررسی قرار داده و توصیف مینماید و چرا هرگز تصاویر امید بخش تر و شاداب تر زندگانی انسان را ترسیم نمیکند . او در پاسخ داستان زیر را تعریف کرد :

برای معاینه مردی که خود را به مدت طولانی مریض احوال حس میکرد پزشکی احضار شد. این پزشک در زمان کوتاهی موفق گردید او و خانواده نگران او را آرام کند و امید بهبودی سریع بیماری را در آنان برانگیزد. پزشک مزبور نام بیماری را عنوان کرد و آنرا نسبتاً پیش پایافته و گذرا قلمداد نمود، او از زحمت اینکه روزانه چندبار از بیمار خود هیادت کند نیز دریغ نکرد و به این ترتیب به خوش قدم ترین معمان آن خانه بدل شد.

اما بیماری آن مرد روز به روز بدتر شد و بزودی کار به جایی رسید که حتی قادر نبود انگشتان خود را بلند کند، او بر اثر تب ضعیف شده بود، اما پزشک مدام از تابستان و سیروسیاحت و از آینده ای که بیمار دوباره سالم خواهد شد و زندگی خوشی را خواهد گذراند صحبت میکرد.

در همین روزها دوست قدیمی خانواده که خود یک پزشک معروف بود وارد شهری شد که مرد بیمار ساکن آن بود، او به هنگام ملاقات با بیمار دچار وحشت شد زیرا پی برد که این مرد که دوست او بود زنده نخواهد ماند، او ساعت ها همیقا به معاینه بیمار پرداخت و نگرانی خود را از افراد خانواده پنهان نکرد، با این وجود اذهان کرد که هنوز قادر به تشخیص هلت دقیق بیماری نیست .

هنگامی که آن مرد واقفا پس از دو روز مرد، مادر او از این دوست پرسید که آیا امکان نداشت پسرش نجات یابد؟ و افزود : «پزشک قبلی بیماری او را قابل درمان ارزیابی کرده بود، دوست مزبور

وضعیت نیروی انسانی.....

بقیه از صفحه ۳

آیا پرسترویکاشکست خواهد خورد؟

از نشریه "هصرما" ارگان حزب کمونیست آلمان

آیا روند دگرگونسازی گارباچف شکست خواهد خورد؟ این سوال که در هفته‌های اخیر در جهان و در خود اتحاد شوروی مطرح میشود فی‌نفسه نادرست است. مسئله بر سر "پرسترویکای گارباچف" نیست. مسئله پیرامون روند دگرگونسازی است که نقطه شروع آن در حزب کمونیست اتحاد شوروی و رهبری آن بود. این روند در این بین به یک جنبش خلقی و توده‌ای بدل شده است که با نمودهای مثبت و منفی خود به پیش می‌رود. این جنبش، به مانند هر انقلاب و هرگونه تحولی، به لحاظ منطقی مخالفین و دشمنان خود را دارد. دشمنان هیتی و ذهنی. همانطور که گارباچف در برابر پارلمان گفت این دشمنان درست در بفرنج‌ترین مراحل و مشکل‌ترین آزمونهای پرسترویکا به آشکارترین شکل قدم به مرصه می‌نهند. مخالفین دگرگونسازی همه آنهایی‌اند که به لحاظ مادی، سیاسی و یا ایدئولوژیک چیزی برای از دست دادن دارند. هم نشست اخیر کمیته مرکزی که با حضور رهبران حزبی همه مناطق اتحاد شوروی برگزار شد و هم مباحث شورای عالی اتحاد شوروی قبل از هر چیز نشان دادند که این

حزب است که در همه اجزای خود از مطالبات کنونی پرسترویکا عقب‌میماند. اعتراض کارگران معدن نیز این را با تاکید هیان کرد، ناتوانی بسیاری از کادریهای حزبی و اتحادیه‌ای، بی‌تفاوتی بی حد و حصر آنان در برابر ابتدایی‌ترین مطالبات انسانها نشان داد که بخشهای بزرگی از حزب هنوز بسیار از تفکر نوین فاصله دارند. آنها چشمان خود را بر این حقیقت که روند دمکراتیزه شدن پیش می‌رود بسته‌اند. آنها یاد نگرفته‌اند که طبقه کارگر دیگر با دستور حرکت نمیکند. این جنبه مثبت اعتراض بود. کارگران، ونه فقط آنها، پرسترویکا را به شتاب فرا میخوانند. آنها بطور مشخص در موسسه خود، در محل کار خود میخوانند در روند دگرگونسازی مشارکت کنند. آنها دمکراسی را باور کرده‌اند.

حزب هنوز در برابر این وظیفه قرار دارد. همانطور که گارباچف تصریح کرد حزب باید خود را رادیکال‌تریزه کند و صفوف خود را تصفیه نماید. این وظیفه در کنار وظایف خطیری نظیر حل مسائل قوتی اقتصاد و منازعات ملی بفرنج‌ترین مرحله پرسترویکا راهمین میکند. زیرا در این

مرحله، هم مقاومت قاطع کسانی به چشم میخورد که از اذ دست دادن قدرت و امتیازات خود در هراسند و هم اختلاف عقیده پیرامون راههای انجام این وظایف مشاهده میشود. یکی دیگر از نقاط اختلاف رامسائل مربوط به مالکیت تشکیل می‌دهد. اینکه در این مسئله بخشهایی از حزب مایل به همراهی نیستند تنها به لحاظ ایدئولوژیک مدلل نمیشود. بوروکراسی در برابر اجازه داری و تعاونی نفوذ و قدرت خود را از دست می‌دهد، اما اعتراضات و منازعات ملی اینرا هم روشن کردند که آلترناتیو دیگری در قبال ایجاد و یا بازسازی مناسبات مستقیم باوسایل تولید و زمین وجود ندارد. به این ترتیب آنچه اکنون در جریان است یک مبارزه قدرت است.

در شورای عالی اتحاد شوروی در رابطه با اعتراضات پیشنهاد شده که انتخابات منطقه‌ای که قرار است در بهار سال آینده انجام شود در پاییز همین امسال صورت گیرد. این قابل توجه است. زیرا به این وسیله میتوان ضربه اعتراضات و فعالیتهای انسانها را مولد کرد. همه کمیته‌های حزبی محلی و منطقه‌ای باید بزودی آزمایش پس دهند.

بخش عظیمی از پتانسیل تولیدی جامعه به خدمت جنگ به مدت ۸ سال و بدین ترتیب تشدید بیکاری در اثر جنگ، ایجاد بخشهای متورم دولتی و... پرده ساتر کشیده شود و هلت‌العلل همه این کاهشها در روستا و در "مهاجرت بی‌رویه" روستائیان به شهر دنبال شود. بعدا به برخورد آنان به همین مساله مهاجرت نیز خواهیم پرداخت.

"گزارش" بررسی عمومی وضعیت اشتغال در کشور را با خاموشی گزیدن در برابر نقش سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی در ایجاد این وضعیت آشفته به پایان می‌برد و بدون آنکه به بسیاری از سوالاتی که خود مطرح کرده بود پاسخ دهد و با فطنت محض از تاثیر عوامل سیاسی در اوضاع جاری اقتصادی به بررسی تفصیلی‌تر وضعیت اشتغال در بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات می‌پردازد. ما در شماره آتی نشریه به چندو چون این بررسی خواهیم پرداخت.

سال ۶۲ تا ۶۴ حدود ۴۲ درصد بوده است. متذکر میشویم که اشتغال در بخش صنعت که در دهه ۳۵-۵۵ از رشد متوسط ۷ درصد برخوردار بوده در دهه ۶۵-۶۵، ۹ درصد رشد منفی داشته است. آمار فوق نیز چنین روندی را جزئاً نشان می‌دهد. علاوه چنانکه پیداست پروانه‌های فوق برای تاسیس کارگاه‌های صنعتی در نواحی روستایی صادر نشده‌اند.

اما اینکه چرا مطالعات کارشناسان اقتصادی رژیم به دروغ نشان می‌دهند که کاهش

این اعداد حاکی از کاهش معادل ۸/۵ درصد در سال ۶۱ و افزایشی تنها معادل ۲/۷ درصد در سال ۶۲ در کارگاههای بزرگ صنعتی کشورند. باید روشن باشد که چنین کاهش در کارگاههای بزرگ صنعتی کشور و به تبع آن در اشتغالهای صنعتی نمیتواند تماما متعلق به نواحی روستایی باشد. آمار تعداد پروانه‌های تاسیس و تعداد کارکنان کارگاههای صنعتی جدید یا توسعه یافته از سال ۶۱ تا ۶۵ که در زیر می‌آید نیز موید مطالعات کارشناسان جمهوری اسلامی نیست:

	۶۵	۶۴	۶۳	۶۲	سال ۶۱
تعداد کارکنان	۱۰۸۲	۱۳۵۱	۱۹۴۳	۲۰۶۵	۱۶۷۸
تعداد کارکنان (مزارع)	۲۳	۱۴	۲۰	۲۴	۲۰

چنانکه دیده می‌شود تعداد پروانه‌های تاسیس کارگاههای صنعتی از سال ۶۲ به بعد مرتباً سیر نزولی داشته است و کاهش نسبی تعداد کارکنان این کارگاهها از

از این واقعیت هیان که چهار سال قبل از ۶۵، چهار سال بیکاری زاء، رقم بیکاری در سال ۶۱ طبق محاسبات مبتنی بر آمارهای رسمی، همان رقم ۱/۸ میلیون نفر بوده است می‌گذریم و آمار دیگری را از نظر می‌گذرانیم: در سال ۶۵، ۵۱/۵ درصد جمعیت ۴۹/۵ میلیونی یعنی بیشتر از ۲۵ میلیون نفر در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال (سن کار) قرار می‌گرفته‌اند در حالیکه جمعیت فعال کشور فقط ۱۲/۸ میلیون نفر اعلام شده است. پس آن ۱۲/۲ میلیون نفر باقی‌مانده کیانند؟ جواب دشوار نیست. اکثر نزدیک به اتقاق زنان، یعنی نیمی از جمعیت کشور، ابدان نیروی فعال جامعه به حساب نیامده‌اند و زنان بیکار هم که به "یمن" سیاستهای جمهوری اسلامی هرروز خانه نشین تر و از مرصه هر گونه فعالیت، الا خانه‌داری، دورتر می‌شوند جزء بیکاران منظور نمی‌شوند: "در سرشماری سال ۶۵ تنها رقم ناچیزی معادل ۸/۲ درصد از کل زنان کشورمان فعال بوده‌اند و خیل عظیم ۹۱/۸ درصد آنها را زنان غیر فعال تشکیل می‌داده‌اند".

با همین کیفیت برخورد به مسایل است که کارشناسان رژیم به بررسی مشکلی به نام "کاهش اشتغال - که عبارت درست و قابل فهم آن افزایش بیکاری است - می‌نشینند. از کرامات این شیوخ اینکه "مشکلات اقتصادی اشتغال (بیکاری و اشتغال ناقص) بیش از بقیه اقشار دامن جمعیت روستایی و خانوارهای محروم شهری را گرفته است." برای دسترسی به این نتیجه نیازی به کارشناس بودن نیست. حقایق دردناکی از این دست را با نگاهی به "سیاست اقتصادی" رژیم می‌توان استخراج کرد اما مطلب اینجاست که این نتیجه مبتنی بر مطالعاتی است که نشان داده‌اند: "کاهش اشتغالهای صنعتی دهه گذشته تماما در نواحی روستایی بوده است".

ببینیم آیا مطالعات این کارشناسان بر آمارهای ارائه شده توسط دستگاههای خود رژیم استوار است یا خیر؟ تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی کشور (با ۱۰ کارکن و بیشتر) در سه سال ۶۰، ۶۱ و ۶۲ به قرار زیر بوده است:

سال ۶۲	سال ۶۱	سال ۶۰
۷۱۲۸	۶۹۴۸	۷۵۳۱
تعداد		

مصاحبه مجله مسایل صلح و سو سیالیسم با

خاویز پیرز دو کوئه یار دبیر کل سازمان ملل متحد

ملل متحد : دینامیسم آفرینش صلح

از "مسایل صلح و سو سیالیسم"

شماره ۴ آوریل ۱۹۸۹

بقیه از صفحه آخر

□ - به نظر شما، هالترین دستاوردهای ایام اخیر سازمان ملل متحد کدامند (به ویژه با توجه به این که نیروهای پاسدار صلح این سازمان جایزه نوبل صلح را از آن خود کرده اند) شما امکانات پیشروی بیشتر در راه صلح و تشنج زدایی، حل مسائل مربوط به امنیت جهانی و منطقه‌ای، و گسترش صلح را چگونه ارزیابی می کنید؟

* - موفقیت های سیاسی سازمان ملل متحد ظرف سال گذشته هیان و آشکارند: این موفقیت ها عبارتند از امضای توافقنامه ژنو در مورد افغانستان، آتش بس میان ایران و عراق، پذیرش پیشنهادات صلح در صحرای قرنی از جانب مراکش و جبهه "سوپا"، از سر گرفته شدن گفتگو میان دو جامعه در قبرس، و تصمیم گیری در مورد آغاز اجرای برنامه واگذاری استقلال به نامیبیا از اول آوریل سال جاری، اما این دستاوردها هر قدر هم با اهمیت باشند، باز این همه تنها نخستین گام ها در راه برقراری صلح پایدار در مناطق مربوطه است. باید با شکیبایی، اما قاطعانه به پیشروی در راهی که برگزیده ایم ادامه دهیم و از خشنودی و رضایت زودرس اجتناب کنیم. اما واقعا متفخر هستیم که این موفقیت ها، پرستیژ و نقش سازمان ملل متحد را تحکیم می کنند.

اعضای جایزه صلح نوبل به "کلاه آبی ها" بازتاب توجه فزاینده به سازمان ماست. این جایزه، پاداش کوشش های تشکیلات خودویژه ای است که توانایی خود را در پاسداری از صلح در مناطق بحران زده اثبات کرده است. روشن است که این تشکیلات در آینده باید تقویت شود تا ضمن آن که نیروهای مسلح

کشورهای مختلف را نمایندگی می کنند، بیشتر به پاسداری از نظم و احترام به حقوق بین المللی کمک نماید.

در رابطه با آنچه که به پیشرفت در هر صه صلح، امنیت، و رشد برمی گردد باید گفت که امروز چشم اندازهای مساعدتری گشوده می شوند. هزم دستیابی عملی به این اهداف راسخ تر و نمایان تر می شود. هیچ مساله حتی بسیار بفرنج هم پیدا نمی شود که با مساهمی جمعی جامعه بین المللی قابل حل نباشد.

□ - نقش فزاینده سازمان ملل متحد در امور بین المللی را چگونه می بینید، این سازمان کوشش های خود را روی چه مسایلی متمرکز خواهد نمود؟

* - در جهانی که کشورهای آن سال به سال هر چه بیشتر متقابلا به هم وابسته میشوند و تمامی مسایل خصلت عموم جهانی می گیرند دوره، یا همکاری و یا آتارشی را می توان برگزید. یا سرنوشت جمعی مان را به دست خود خواهیم گرفت و همراه باهم مشکلات مشترک را از پیش پا بر خواهیم داشت و یا ناگزیر به بی همدالی ها و خطرات فزاینده تن خواهیم سپرد. من در خرد سران دولت ها هیچگونه تردیدی ندارم و معتقدم که سازمان ملل متحد به عنوان ابزار اصلی همکاری جهانی باید نقش هر چه جدی تری در زندگی بین المللی ایفا نماید.

همان گونه که میخائیل گارباچف در سخنرانی به یادماندنی اخیر خود در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد به درستی خاطر نشان ساخت، سازمان ملل متحد باید به لحاظ سیاسی، دیالوگ و مذاکره میان دولت ها را بین المللی کند. سازمان ملل متحد باید در همین تلاش برای مساعدت به صلح و فرجام یابی مذاکرات جاری کنونی، هم خود را

مصرف حل دو مساله بزرگ نماید: دستیابی به صلح در خاور نزدیک و دموکراتیزه کردن آفریقای جنوبی.

امروز فعالیت سیاسی در جهت تامین صلح باید به میزانی بیش از گذشته به آن حرکت بین المللی که هدهده دار حفاظت از محیط زیست است، مساعدت نماید. دوسوم بشریت قربانی بی همدالی همیق هستند و سازمان ملل متحد نمی تواند با این امر سرسازگاری داشته باشد. سازمان ما همچنین نمی تواند اذهان نکند که برخی انواع تولید و مصرف برای موازنه اکولوژیک خطرناک اند. در این رابطه، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی پیشنهادات بسیار جانبی ارائه کرده است: تاسیس یک مرکز کمک فوری اکولوژیک در جوار سازمان ملل متصد، به نضا فرستادن یک لابراتوار و یا استقرار یک ایستگاه فضایی در مدار زمین برای زیر نظر گرفتن وضعیت محیط زیست در هر دو جو متقابلا به هم وابسته ای که - همان گونه که در گزارش کمیسیون بین المللی به رهبری بروندتلاند مدلل شده است - بیش از هر چیز دیگر باید مورد توجه جدی قرار گیرند.

□ - لطفا تفسیر خود را از اهمیت آخرین (چهل و سومین) اجلاس پیشنهادات و ابتکارات مطروحه در این اجلاس بیان کنید. آیا با این فکر موافق هستید که جامعه جهانی ملل اکنون، در آستانه قرن ۲۱، می تواند به دوره نوین و صلح آمیز رشد و تکامل خود گام گذارد، و اگر می تواند، بر پایه کدام اصول؟

* - این اجلاس مجمع عمومی، گرایش مثبت در مناسبات بین المللی را تقویت و تحکیم کرد. گفتگو هائی که در این اجلاس صورت گرفت، ذینفع بودن همه

نمایندگان در دیالوگ و تفاهم را بازتاب داد. تصمیمات اتخاذ شده، به روند تامین صلح و به جستجوی موازنه اقتصادی عادلانه تر تحرک نوینی بخشید. بسیاری قطعنامه ها و از جمله قطعنامه مربوط به صلح سلاح، در این اجلاس به اتفاق آراه تصویب رسیدند. نزدیکی مواضع بیشتری بر سر مسایل اجتماعی و انسانی به دست آمد و این امر به دیالوگ واقعی در هر صه حقوقی منجر گردید. بیانیه مربوط به تقویت وظایف سازمان ملل متحد هم در جلوگیری از پیدایش و هم در حل مسایل مناقشه آمیز با اتفاق آرا به تصویب رسید. برای حل و فصل مسایل مربوط به بودجه سازمان هم طرحی تدوین گردید.

به علاوه، مجمع عمومی برای اولین بار به قطعنامه سیاسی مربوط به افغانستان یکپارچه رای داد. در ژنو، به رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین امکان داده شد تا نظرات خود را در جهت نزدیک کردن مواضع طرفین ذینفع به طور آشکار و علنی اعلام نماید. سخنرانی های برجسته دیگری نیز در مجمع عمومی استماع گردید. از آن جمله و در وهله اول باید از سخنان صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، میخائیل گارباچف یاد کرد. همان گونه که اطلاع دارید او مسایل رشد و تکامل جهان را مورد توجه ویژه قرار داد و تاکید کرد که ما در حال حاضر به هصر نوینی وارد شده ایم که در آن، پیشرفت حاصله با میزان ارضی منافع همگانی سنجیده می شود. در این زمینه من کاملا با میخائیل گارباچف موافق هستم و معتقدم که هر آینه تمامی رهبران به تحلیل او بپیوندند و بکوشند اقدامات خود را با اندیشه های اظهار شده انطباق دهند و اصول منشور سازمان ملل متحد را محترم بشمارند، آن گاه ما واقعا خواهیم توانست به دوره صلح آمیز تر و مساعدتری از تاریخ بشریت وارد شویم.

تا آنجا که به من برمی گردد، فکر نمی کنم فعالیت سازمان ملل متحد روبه کاهش یا تعطیل برود، چیزی که سرمستی یک عده و یا بدگمانی عده ای دیگر به آن منجر خواهد شد. و از این روست که تمامی کوشش های خود را به کار می گیرم تا به طور متضمن مقصود و بازگشت ناپذیر در راه حل و فصل درگیری ها، صلح سلاح و پیشرفت اجتماعی - اقتصادی به پیش برویم.

امریکا: جنگ در نیکاراگوئه باید ادامه یابد

بقیه از صفحه آخر

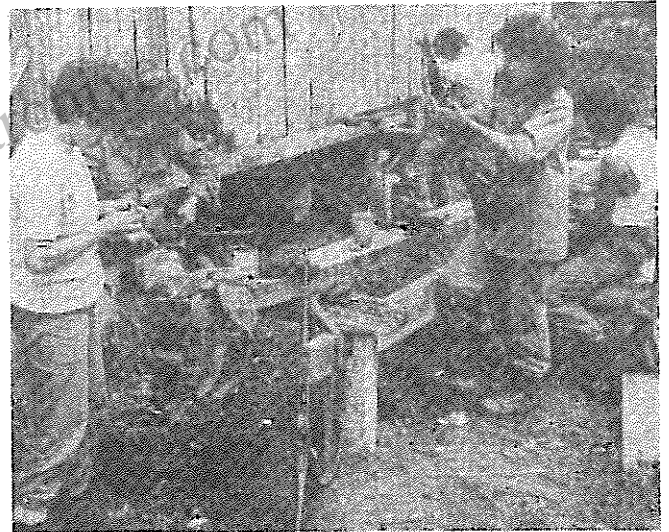
ادامه یابد. در این فاصله یک کمیسیون نظارت بین المللی بر جریان کار، ایجاد خواهد شد. فاز اصلی روز ۶ سپتامبر شروع شده و باید تا ۹ روز و یا حداکثر تا پایان امسال خاتمه پذیرد. روز پنجم دسامبر دیدار مجدد سران کشورهای آمریکای مرکزی برای بررسی و کنترل روند کار انجام یافته به عمل خواهد آمد. تا آن موقع نیکاراگوئه شکایت خود علیه هندوراس به خاطر حمایتش از ضد انقلاب را در دادگاه بین المللی هاگ پی گیری کرده و بعد از انحلال کامل "کنترا" آن را پس خواهد گرفت.

رهبر ضد انقلاب نیکاراگوئه "آدولف کالرو" قبل از تصمیم سران کشورهای آمریکای مرکزی در امریکا اعلام کرد که آنها

جان ۵۰۰۰۰ انسان و مجروح شدن صدها هزار و نابودی اقتصاد کشور تمام شده است. هدف امریکا ادامه این "بازی" تا حداقل روز ۲۵ فوریه یعنی روز برگزاری انتخابات است.

یوش رئیس جمهور امریکا پشتیبانی مادی و معنوی و سیاسی خود را از ضد انقلاب نیکاراگوئه، اعلام کرد. سخنگوی وی "مارلین واتر" نیز اعلام داشت: "اگر تصمیم سران کشورهای آمریکای مرکزی مورد تایید رهبری "کنترا" نیست، می تواند به آن گردن نهد. اگر این امر مورد قبول نباشد، پس دیگر لزومی به انحلال نیروهای ضد انقلاب مستقر در هندوراس نیست."

همچنین "اریستیدس سانچز" عضو هیات تحریریه ارگان ضد انقلاب به نام "قیام نیکاراگوئه" روز پنجشنبه گذشته در میامی اعلام کرد که او



آیا بالاخره آنها خواهند توانست بدون سلاح در مزارع قهوه خود کار کنند؟

سیمای واقعی کنسرن های فراملیتی

بقیه از صفحه آخر

افزایش حقوق هستند.

کنسرن ژاپنی تویوتا عکس العملی بی شرمانه از خود نشان داد. کارگران تویوتا از روز اول ماه اوت در اعتراض به قطع مذاکره با سندیکای کارگران فلزکار توسط مدیریت تویوتا دست به اعتصاب زدند. آنها اعلام کردند که تنها زمانی بر سر کار خود خواهند رفت که مدیریت مذاکره با سندیکا را از سرگیرد. مدیریت تویوتا در یک عکس العمل سریع ۳۶۰۰ کارگر را اخراج کرده و بالحن خاص نژادپرستان اعلام داشت که کارگران جدید استخدام خواهند شد و اخراج شدگان باید مجدداً درخواست کار کنند.

کنسرن آلمانی فولکس واگن در مخالفت با افزایش حقوق کارگران (که در حال حاضر معادل ۵۰۰ مارک آلمان فدرالی است) و در پاسخ به اعتصاب آنها که بیشتر جنبه هشدار داشت، درهای کارخانه را بست و از حضور کارگران در کارخانه جلوگیری کرد. بدین رو ۷ هزار کارگر فولکس واگن و خانواده های آنها بدون هیچ گونه امکان کار و درآمد مانده اند.

گودیر، کنسرن آمریکایی لاستیک سازی تمديد به اخراج ۱۲۰۰ کارگر کرد. در این کنسرن کارگران از ۴۰ روز پیش در اعتصاب به سر می برند. در این شرکت اعتصاب از بعد دیگری نیز صورت می گیرد؛ گودیر می خواهد بر اساس تصمیم دولت آمریکا مبنی بر مجازات آفریقای جنوبی واحدهای تولید خود در آفریقای جنوبی را تعطیل

کند، بدون آن که تکلیف کارگران خود را روشن نماید و در طرح مالی جهت تامین کارگران این گونه شرکت ها شرکت کند.

در کنسرن آمریکایی اوردی که تهدید به اخراج ۸۰۰ کارگر کرده است، وضعیت مشابه گودیر است. لس کتله داس سخنگوی سندیکای کارگران فلزکار (NUMSA) اقدامات

کنسرن های فدرالی را "اقدامی بی شرمانه" و تلاش برای تحمیل اراده خویش به کارگران با توسل به زور خواند. او گفت کنسرن های فراملیتی از قبل کارگران آفریقای جنوبی سودهای کلانی می برند و باید با کارکنان خود برخوردی انسانی داشته باشند.

اکثر کنسرن های بزرگ جهان قرب در آفریقای جنوبی واحدهای تولیدی دارند و با تکیه بر قوانین فیر انسانی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، کارگان این کشور را وحشیانه مورد استثمار قرار می دهند. روند انتقال واحدهای تولیدی از کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای چون آفریقای جنوبی در آمریکای لاتین و آسیا روبه گسترش است، زیرا کارگران کشورهای پیشرفته غربی با مبارزات طولانی، دستاوردهای فراوانی کسب کرده اند. از این رو کنسرن های فراملیتی فعالیت خود را در سایر نقاط جهان گسترش می دهند تا از دستمزدهای کمتر کارگران این کشورها و حقوق و امکانات کمتر آنها بهره گیرند. سیمای واقعی کنسرن های فدرالی در آفریقای جنوبی، برزیل، شیلی، اندونزی و کشورهای دیگری از این دست آشکارتر به دیده می آید.

هیچ شانسی دیگری برای "کنتراها" جز نفوذ از طریق نظامی از خاک هندراس، به خاک نیکاراگوئه رانمی بیند. در مقابل دبیرکل سازمان ملل متحد آقای خاویر پرز د کوئله یار، حمایت ایالات متحده آمریکا از تصمیم روسای کشورهای آمریکای مرکزی را نشانه ای بر این مسئله دانست که درگیریهای منطقه ای می بایستی از طریق راه حل های سیاسی حل شود. وی اشاره کرد تلاش وی همواره بر این جهت خواهد بود که کمیسیونی بین المللی برای کنترل و نظارت بر انجام انحلال "کنترا" تشکیل شود.

سلاحهای خود را قبل از برگزاری انتخابات زمین نخواهند گذاشت. "مارلین فیتزواتر" سخنگوی کاخ سفید در واشینگتن ضمن طفره رفتن از اعلام صریح موضع آمریکا در قبال تصمیم اخیر سران کشورهای آمریکای مرکزی مبنی بر انحلال "کنترا" اعلام کرد تا مدتی طولانی ۱۲۰۰۰ هزار "کنترایی" مستقر در جنوب هندوراس موقعیت نظامی خود را حفظ خواهند کرد. وی گفت: "من معتقدم، هنوز خیلی زود است که گفته شود، بازی تمام شده است." آن چیزی که سخنگوی کاخ سفید آن را "بازی" توصیف می کند برای نیکاراگوئه به قیمت





وخامت حال زندانیان سیاسی اکتصاب کننده در ترکیه

دور زندانی، اکتصاب و مقاومت زندانیان سیاسی در سایر زندانهای ترکیه نیز آغاز شد. در حال حاضر در حدود ۱۶۵۰ نفر از زندانیان قهرمان در اکتصاب فذابه سر می‌برند که وضعیت جسمی ۲۵ نفر از آنها بسیار وخیم می‌باشد.

در همبستگی با زندانیان سیاسی ترکیه و در اعتراض به کشتار اخیر در زندانهای این کشور، بیش از ۱۵۰ نفر از اعضا و هواداران هفت سازمان سیاسی چپ ترکیه و کردستان ترکیه از روز پنجشنبه گذشته در شهر بن آلمان فدرال اکتصاب فذای سه روزه‌ای را آغاز کردند. این اکتصاب، روز شنبه ۱۲ ماه اوت با یک راهپیمایی پایان یافت.

در این راهپیمایی که چندین هزار نفر شرکت کننده داشت شعارها و خواسته‌های زیر مطرح شد:

- آزادی تمامی زندانیان سیاسی
- پایان دادن به کشتار و جنایت علیه خلق کرد
- محکومیت هرگونه استفاده از سلاحهای شیمیایی علیه خلق کرد
- همبستگی بین‌المللی تمامی نیروهای دمکرات و ترقیخواه در سرتاسر دنیا
- سرنگونی رژیم دیکتاتوری - فاشیستی ترکیه

در حدود ۱۶۵۰ زندانی سیاسی در ترکیه از ۳۵ روز پیش در اکتصاب فذای سر می‌برند. این اکتصاب فذا در اعتراض به کشتار و شکنجه و شرایط وحشتناک زندانها و همچنین در اعتراض به بازپس گرفتن امتیازات و حقوقی است که با مبارزات و مقاومت‌های قهرمانانه ۲۵۰۰ زندانی سیاسی در سال گذشته کسب شده بود. بازپس گرفتن و نقض آشکار این امتیازات و حقوق توسط رژیم فاشیستی ترکیه، به بهانه‌هایی از جمله "کشف تونل‌های فرار" و "تأمین امنیت صورت می‌گیرد. در پی این اقدامات رژیم ترکیه، ۲۵۱ نفر از زندانیان سیاسی در زندان "اسکی شمیر" به عنوان اعتراض، اکتصاب فذای بدون مدتی را آغاز کردند. زندانبانان برای خنثی کردن اعتراض زندانیان و تشدید فشار بر آنها، در صدد انتقال زندانیان اکتصابی به زندانهای "ایدین" و "نازیلی" برآمدند. این امر با مقاومت سرسختانه زندانیان در حال اکتصاب مواجه شد. در نتیجه یورش سبهانه قوای مسلح رژیم به زندانیان در حال اکتصاب ۲ نفر از زندانیان به نامهای "محمد یالچین کایا" و "حسین حوسنوار اوغلی" به قتل رسیده و هده بسیار زیادی شدیداً مجروح شدند.

در پی این یورش وحشیانه و کشته شدن

خرابکاری آفریقای جنوبی در روند انتخابات در نامیبیا

داشتن دوسوم آرا قادر خواهد بود مجلس موسسان را فراخواند و قانون اساسی کنونی را که بر اساس نژادپرستی تدوین شده است تغییر دهد.

روز دوشنبه ۷ ماه اوت اعلام شد که طی چند روز اخیر ۳۵ هزار نفر از مهاجران نامیبیا که در کشورهای دیگر مقیم بودند، به کشور بازگشته‌اند. تا آخر ماه اوت قرار است جنبش بین‌المللی جهت بازگرداندن مهاجران نامیبیایی به میمن خود خاتمه یابد.

سام نجوم، رهبر سواپو اعلام کرد که آفریقای جنوبی تمام تلاش خود را جهت جلوگیری از برگزاری انتخابات کاملاً آزاد و دمکراتیک در نامیبیا و گذار این کشور به استقلال به کار گرفته است. تاکنون آفریقای جنوبی نام ۱۵۰ هزار نفر از افراد اهل آفریقای جنوبی و وابستگان باند ضدانقلابی او نیتراکه در آنکول فعالیت می‌کنند به عنوان رای دهنده ثبت کرده است. آفریقای جنوبی تلاش دارد مانع کسب دوسوم آرا توسط سواپو شود. سواپو با در دست

پیشنهاد شوروی برای کاهش تولیدات نظامی

"مارشال آخرومیوف" مشاور نظامی گارباچف در سخنرانی در مقابل گروهی از نیروهای رزمی آمریکا که از شوروی بازدید بعمل می‌آوردند اعلام کرد که اتحاد شوروی آماده است تا سال ۱۹۹۵ تولیدات نظامی خود را تا نصف کاهش دهد. وی اشاره کرد که یک قرارداد مبنی بر کاهش تجهیزات نظامی غیرمستهای در اروپا و یک قرارداد بین آمریکا و شوروی در مورد سلاحهای استراتژیک می‌بایستی بسته شود. وی اطلاع داد که اتحاد شوروی تا اول ماه اوت امسال ۳۱۸۳۴ سرباز، ۳۱۱۸ تانک، ۶۶۰۰ دستگاه توپ و ۱۶۲ هواپیما را از کشور خارجی به خاک کشور خود منتقل کرده است.

اعتراض در "نوادا"

در مقابل محل انجام آزمایشهای اتمی در ایالت "نوادا" آمریکا، ۲۲ نفر، به جرم برگزاری یک میتینگ، به نسبت یادبود قربانیان بمباران اتمی ناگازاکی و اعتراض به ادامه آزمایشهای هسته‌ای آمریکا، توسط پلیس دستگیر شدند. چند روز قبل از این حادثه بیش از پنجاه نفر شرکت کننده در مراسم سالروز هیروشیما، در همان محل، توسط پلیس دستگیر شده بودند.

ادامه جنایات سربازان اسرائیلی در سرزمین‌های اشغالی

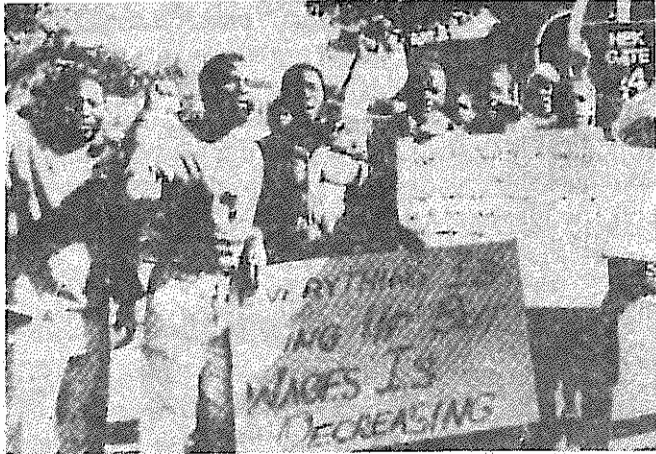
روز چهارشنبه ۹ ماه اوت سه فلسطینی توسط سربازان اسرائیلی و مهاجران مسلح اسرائیلی در مناطق اشغالی فلسطین به قتل رسیدند. یکی از این سه نفر کودک ۶ ساله‌ای بود که در تیر اندازی سربازان به سوی مردم کشته شد. هنگام به خاک سپاری این کودک مجدداً درگیری میان مردم و سربازان اسرائیلی پدید آمد که موجب قتل جوان ۲۳ ساله‌ای شد. مهاجران اسرائیلی که تعداد آنها در مناطق اشغالی فلسطین از آغاز قیام مردم به ۶ هزار نفر رسیده است، در هفته گذشته نیز یک نفر را به قتل رساندند.

روز سه شنبه ۸ ماه اوت یک مهاجر مسلح اسرائیلی که گمان می‌برد مورد تعقیب فلسطینی‌ها قرار دارد، شروع به تیراندازی به سوی بیشه‌ای کرد که سربازان اسرائیلی در آن کمین کرده بودند. آنها با پاسخ به این تیراندازی کودک ۱/۵ ساله این مهاجر را به قتل رساندند.

سیمای واقعی کنسرن‌های فراملیتی

اتومبیل سازی آفریقای جنوبی اخراج شدند. این اخراج‌ها پاسخ کنسرن‌های اتومبیل سازی غربی به اعتصاب کارگرانی است که خواستار بهبود شرایط خود و بقیه در صفحه ۱۰

بیش از ده هزار کارگر آفریقای جنوبی به خاطر شرکت در اعتصاب توسط کنسرن‌های غربی اخراج شدند. طی چند روز اخیر بیش از ده هزار نفر از کارگران صنایع



اعتصاب کارگران تویوتا در آفریقای جنوبی برای افزایش حقوق

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثرت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپر بستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارك	۱۱ مارك	نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارك	۲۷ مارك	نشریه «اکثرت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 270
MONDAY 14 AUG 89

حساب بانکی

AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT I
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک‌هایی
فدائیان خلق راه‌رانجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

مطالعه مجله مسائل صلح و سوسیالیسم با
جاویر پرز دو گوئته یار دبیر کل سازمان ملل متحد

ملل متحد: دینامیسم آفرینش صلح

شماره ۴ آوریل ۱۹۸۹

از «مسائل صلح و سوسیالیسم»

به علاوه ضروری است تا سران دولت‌ها درک کنند که کاربست زور، مسابقه تسلیحاتی و یا دلسوزی و چاره اندیشی صرفاً در رابطه با منافع کشور خود، بی‌فایده است. سازمان ملل متحد با افزایش مستمر خطر رورویی و با فعالیت به سود حل و فصل درگیری‌ها، به درک این حقیقت مساعدت نموده است. همچنین ضروری است که این درک با امکانات مربوطه اتوریته قدرت که اجرای تغییرات در سیاست را امکانپذیر می‌سازد، تکمیل و تقویت گردد. در بهبود کنونی فضای بین‌المللی، که به نظر برخی، از بسدو تاسیس سازمان ملل متحد تاکنون بی‌سابقه بوده است، رهبران مردم ابر قدرت نقش تعیین کننده‌ای ایفا کرده‌اند. آنها روند پویای تامین صلح را آغاز نهادند و این روند، همان گونه که شاهد هستیم، در سراسر سیاره ما انکشاف می‌یابد و با کوشش‌های سازمان ملل متحد که موجبات تحقق عملی آن را فراهم می‌آورد، تحکیم می‌گردد.

بقیه در صفحه ۹

□ - به نظر شما، دلایل دگرگونی‌های مثبت در فضای سیاسی جهان کدامند و نقش سازمان ملل متحد در این زمینه را چگونه می‌بینید؟

* - دلایل این امر را که سران دولت‌ها از رورویی دست می‌شویند و به دیالوگ و مذاکره روی می‌آورند، باسه مفهوم می‌توان توضیح داد: ذینفع بودن، درک، اتوریته.

قبل از هر چیز رهبران باید در این روند ذینفع باشند. جنگ‌ها تا کنون هیچ‌گاه به میزان امروزی بی‌فایده نبوده و گران تمام نمی‌شده‌اند. کافی است ببینیم که همه درگیری‌های اخیر با چه بن بست نظامی‌ای روبرو شده و چه بار سنگینی بردوش کشورهای درگیر در آن تحمیل کرده‌اند. تاکنون هیچ‌گاه عدم اعتماد، چنین اسراف کاری عظیمی که امروز صورت می‌گیرد به بار نیاورده است: تنها کافی است به سطح کنونی هزینه‌های جهانی تسلیحات نظر بینکنیم. و بالاخره، هیچ‌گاه تاکنون، عدم همکاری این گونه هلاکت بار نبوده است، آخر وابستگی متقابل ملل هر چه بیشتر افزایش می‌یابد.

امریکا:

جنگ در نیکاراگوئه باید ادامه یابد

دادن شرکت کنندگان موافقی را در راه اتخاذ این تصمیم ایجاد می‌کردند. هدف آنها تحمیل این نظر به شرکت کنندگان بود که انحلال «کنترا» تا قبل از انتخابات نیکاراگوئه مورد تایید قرار نگیرد.

با وجود این کارشکنی‌ها تصمیمی در مورد نیکاراگوئه اتخاذ شد. در طرح زمانی مشخص که برای انحلال «کنترا» در نظر گرفته شده، فاز اول می‌بایستی بلافاصله آغاز شود و ۳۰ روز تمام بقیه در صفحه ۱۰

عصر روز یکشنبه ۶ ماه اوت، سران کشورهای آمریکای مرکزی، در دیدار خود در هندوراس تصمیم مبتنی بر انحلال «کنترا» (ضد انقلابیون نیکاراگوئه مستقر در هندوراس) را مجدداً مورد تایید قرار دادند. این تصمیم در ماه فوریه توسط سران کشورهای آمریکای مرکزی گرفته شده بود، ولی زمان عملی شدن این اقدام هنوز مشخص نشده بود.

در این دیدار، چهار ناظر آمریکایی از طریق تحت فشار قرار